



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ آبان ۱۴۰۲

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

مصادف با: ۷ جمادی الاول ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تعریف پول - تقسیمات پول -

بررسی تطبیقی اقسام پول در عصر اسلامی - ۱. پول فلزی در عصر اسلامی - ادوار پول فلزی در عصر اسلامی - دوره اول - دوره دوم

جلسه: ۱۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی تطبیقی اقسام پول در عصر اسلامی

بعد از بیان تقسیمات مختلفی که برای پول به اعتبارات مختلف ذکر شده، می‌خواهیم ببینیم در عصر تشریح و عهد اسلامی و صدر اسلام، کدام یک از این اقسام پول جریان داشت؛ این به نوعی می‌تواند در بحث ما تأثیر داشته باشد، که آن قسمی که امروز رایج است، آیا اثری در گذشته از آن دیده می‌شود یا نه. ملاحظه فرمودید در بحث تورم (البته موضوع تورم را هنوز بررسی نکرده‌ایم) به مناسبت برای اینکه ببینیم آیا این بحث یک مسأله مستحده است یا سابقه‌دار است، گفتیم فی‌الجمله تورم در گذشته بوده، یعنی حتی قبل از اسلام و در عهد اسلامی هم ما رگه‌هایی از تورم را می‌توانیم ببینیم. عرض کردیم پول دارای تقسیمات مختلف به اعتبارات مختلف است؛

۱. پول فلزی در عصر اسلامی

یک تقسیم، تقسیم پول به اعتبار سیر تکاملی آن است. به این اعتبار اگر بخواهیم پول‌های صدر اسلام را ارزیابی کنیم، شاید بتوانیم بگوییم پول فلزی اغلب پول‌های آن زمان را تشکیل می‌داده است؛ پول کالایی در آن زمان شاید بسیار کم وجود داشت، آن هم در مناطق بدوی و بیابان‌ها و جاهایی که خیلی اهل ارتباطات و مراودات نبودند؛ این شاید از باب النادر کالمعدوم باشد. عمده پول در جریان در آن دوران، پول فلزی بود. پول کاغذی آن موقع جریان نداشت؛ البته ناگفته نماند که قبل از اسلام، مثلاً در قرون ششم و هفتم میلادی که هنوز اسلام ظهور نکرده بود، گاهی قطعه‌هایی از پوست حیوانات را به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌دادند؛ مثلاً گفته‌اند در چین تا حدودی رواج داشت؛ حالا در مناطق دیگر آیا مورد استفاده بود یا نه، این یک تحقیق بیشتری نیاز دارد؛ اما چیزی به عنوان پول کاغذی، نه در ایران باستان و نه در روم (که قدرت‌های بزرگ قبل از اسلام بودند و بعد هم با شکست در برابر سپاه مسلمین این مناطق فتح شد و تحت سیطره اسلام قرار گرفت) گزارش نشده است. به هر حال آن دوران به جز پول فلزی، پول دیگری رواج نداشت؛ پول کاغذی، پول تحریری، پول الکترونیکی، اینها همه مربوط به سال‌های اخیر است. پول فلزی هم که در آن دوران مورد استفاده قرار می‌گرفت، عمدتاً دینار رومی و درهم کسروی بود.

من قبل از اینکه وارد این تاریخچه شوم، اشاره کنم به منابعی که این مطالب مجموعاً از آنها استخراج شده است: ۱. النقود الإسلامية، احمد بن علی مقریزی؛ ۲. تاریخ التمدن الاسلامی، جرجی زیدان؛ ۳. اعیان الشیعة، سید محسن امین؛ ۴. العقد المنیر، سید موسی حسینی مازندرانی؛ ۵. الاحکام السلطانیة، ماوردی؛ ۶. المحاسن و المساوی، ابراهیم بن محمد بیهقی؛ ۷. فجر السکة الإسلامية، عبدالرحمن محمد فهمی؛ ۸. الدینار الاسلامی، ناصر سید محمد بنش بندی؛ و البته بعضی از کتاب‌هایی که اخیراً

درباره پول منتشر شده، اینها هم اشاره‌ای به این تاریخچه‌ها دارند؛ ولی منابع اصلی که این مطالب را دارد، همین منابعی است که خدمت شما ذکر کردم.

در زمانی که اسلام ظهور کرد، عمدتاً پولی که در ایران آن روز که شامل عراق و بخش وسیعی از این منطقه بود، درهم نقره‌ای بود. اما پولی که در روم و مناطق تحت نفوذ رومیان مورد استفاده قرار می‌گرفت، مثل سوریه، فلسطین، مصر، دینار طلا بود؛ لذا در نوشته‌جات هم عنوان درهم کسروی و دینار رومی به عنوان یک اصطلاح رواج پیدا کرده است. علت اینکه در ایران بیشتر درهم که از جنس نقره بود و در روم دینار که از جنس طلا بود، مورد استفاده قرار می‌گرفت، این بماند؛ اما هر دو رواج داشت؛ هم درهم ایرانی و هم دینار رومی. البته بین اینها هم رابطه قیمتی و هم رابطه وزنی هم وجود داشت؛ یعنی در محاسبات مثلاً یک دینار رومی را معادل چند درهم کسروی می‌دانستند؛ اینها همه معلوم بود و در زمان‌های مختلف هم تغییر می‌کرد، اینطور نبود که همواره ثابت بماند. البته اینکه مثلاً چند گرم نقره در درهم ایرانی و کسروی مورد استفاده قرار می‌گرفت یا چند گرم طلا در دینار رومی مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ اینها بحث‌هایی دارد.

اساساً نظام پولی هم برای آن دوران بیان کرده‌اند. اگر بخواهم یک اشاره اجمالی کنم، باید عرض کنم آن موقع مجموعاً سه نظام پولی براساس همین درهم و دینار وجود داشت:

۱. نظام دو فلزی بدون وجود یک رابطه معین و قانونی؛ بدین معنا که دو فلز طلا و نقره در قالب درهم و دینار مورد استفاده مردم بود و به عنوان پول رایج شناخته می‌شد. در این نظام، یک رابطه قانونی و مشخصی که مبین ارزش و قابلیت این دو باشد، تعریف نشده بود؛ ارزش اینها بدون ارتباط با هم، براساس میزان فلزی که در آنها به کار رفته بود یا درجه خلوص آن فلز که چه عیاری داشت و نیز میزان تقاضایی که نسبت به آنها داشت، تغییر می‌کرد؛ بدیهی است که اگر مثلاً میزان نقره به کار رفته در درهم بیشتر بود، عیارش بالاتر بود و تقاضای بیشتری نسبت به آن وجود داشت، ارزش آن بالاتر بود. لذا شما می‌بینید همین درهم که مثلاً از دو سه گرم تا نزدیک پنج گرم در هر سکه مورد استفاده قرار گرفته، در زمان‌های مختلف قیمتش متفاوت است. دینار هم همینطور؛ دینار هم براساس میزان طلای به کار رفته در آن، عیارش و میزان تقاضا نسبت به آن، ارزشش متفاوت می‌شد. البته می‌توانیم بگوییم خود اینها دچار نوسان ارزش می‌شدند؛ یعنی گاهی ارزش دینار بالا می‌رفت و گاهی پایین می‌آمد؛ درهم هم همینطور. لذا شاید برخی همان موقع برای اینکه ارزش دارایی‌های خودشان را حفظ کنند، این سکه‌ها را تبدیل می‌کردند، درهم و دینار را به همان ماده اصلی تبدیل می‌کردند. پس یک نظام دو فلزی بدون اینکه از نظر قانونی ارتباطی با هم داشته باشند، آن اوایل وجود داشت؛ این قبل از اسلام بود، در عهد اسلامی هم این ادامه پیدا کرد.

۲. نظام دیگر، نظام دو فلزی با یک رابطه قانونی تعریف شده بود. در این نظام برابری این دو در کشورهای مختلف از نظر رسمی اعلام می‌شد؛ مثلاً فرض بفرمایید در نسبت بین دینار و نقره رسماً و قانوناً می‌گفتند هر دینار برابر با مثلاً ده درهم است یا برابر پانزده درهم است.

سؤال:

استاد: تقریباً اینطور بود؛ عمدتاً حکومت‌ها معلوم می‌کردند یا صراف‌ها و کسانی که این کار را انجام می‌دادند. ولی مهم اصل وجود این رابطه بود ... این بازمانده از قبل و میراث گذشته بود که در عهد اسلامی جریان داشت؛ نمی‌گویم اینها را پدید

آوردند ... این قانونی و مشخص نبود؛ بعد این به صورت قانونی و مشخص تعریف شد، حالا یا توسط دولت و حکومت و حاکمیت مرکزی، یا همان صراف‌هایی که این کار را می‌کردند. این یک چیزی بود که تقریباً همه آن را پذیرفته بودند.

۳. نظام تک فلزی که در خود یک کشور و در یک منطقه، یک فلز را به عنوان پول رایج قرار می‌دادند و ارزش مبادله‌ای پولی از طریق همان فلز سنجیده می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ و بین اینها یک رابطه مشخص قانونی نبود. هر چند از این نکته نمی‌توان غفلت کرد که بالاخره همواره بین طلا و نقره، چه در حالت مسکوک و چه در غیر حالت مسکوک، چه ما نظام پولی را یک نظام تک فلزی بدانیم یا دو فلزی، بالاخره یک رابطه قیمتی و رابطه وزنی به حسب واقع وجود داشت و این قابل انکار نبود. این در مبادلات نیامده بود، و الا هر کدام از اینها می‌توانست پرداخت شود در مقابل دیگری به عنوان یک کالا، خریداری یا فروخته شود.

این سه نظام در آن موقع جریان داشت؛ این قبل از اسلام بود؛ بعد همین نظام‌های پولی با ظهور اسلام در جامعه اسلامی جریان پیدا کرد؛ ولی یک تغییراتی اینجا پدید آمد. اینکه من عرض می‌کنم تغییرات، اشاره می‌کنم این تغییرات چه بود.

پس ملاحظه فرمودید در دوران صدر اسلام تنها پولی که جریان داشت و مورد استفاده قرار می‌گرفت، پول فلزی بود؛ این پول فلزی در آن دوران شاید در قالب این سه نظام پولی عمل می‌کرد. حالا مشخص شدن اینکه نظام‌های پولی آیا همزمان در مناطق مختلف جریان داشتند یا تقدم و تأخری بین آنها وجود داشت، کار مشکلی است؛ اما اجمالاً نظام‌های پولی فلزی در آن دوران، همین بود که اشاره کردم؛ البته وارد جزئیات نشدم و به صورت کلی عرض کردم.

ادوار پول فلزی در عصر اسلامی

پول فلزی در دوران اسلامی چند دوره را طی کرد؛ من فقط اشاره‌ای به ادوار کلی این عصر خواهم داشت. سه مرحله در عصر تشریح (خصوصاً اوایل عصر تشریح، تا سال‌های مثلاً دهه هفتاد و هشتاد) طی شد؛ یا به عبارت دیگر در قرن اول این سه دوره طی شده است.

دوره اول

در آغاز امر، سکه‌های غیر اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ یعنی سکه‌هایی که یا نشان کسری داشتند یا نشان قیصر، چون یا از روم آمده بودند یا از ایران. آنها هم براساس باورهای خودشان یا مثلاً صلیب روی این سکه‌ها حک کرده بودند یا تاج؛ قیصر خودش یک نشانه‌هایی داشت، کسری هم یک نشانه. به پادشاهان ایران کسری می‌گفتند و به پادشاهان روم قیصر. اینها عقاید مذهبی و دینی‌شان به ضمیمه تمایلات شخصی، به نوعی به عنوان نقش روی این سکه‌ها منعکس می‌شد. وقتی که اسلام ظهور کرد و پیامبر گرامی اسلام(ص) در مکه بودند و بعد در مدینه حکومت تشکیل دادند، تمام مراودات و معاملات مردم با همین سکه‌ها و دینارها و درهم‌های ایرانی و رومی بود. می‌دانید در آن زمان به طور کلی سرزمین حجاز و جزیره العرب مراودات تجاری گسترده‌ای با اقصی نقاط عالم داشت؛ یعنی قبل از اسلام، از مکه عمدتاً به عنوان یک شهر با سابقه تاریخی و مذهبی کاروان‌های تجاری به سمت شامات و شاید ایران و مناطق مختلف رفت و آمد داشتند و این دینار و درهم‌ها به طور طبیعی در بین مردم حتی قبل از اسلام جریان داشت و مورد استفاده قرار می‌گرفت. بعد از اسلام هم به طور طبیعی این رفت و آمدها و این روابط تجاری ادامه پیدا کرد و در معاملات از همین مسکوکات استفاده می‌شد؛ گاهی برای پیامبر(ص) مخصوصاً زمانی که مدینه بودند، هدایایی به صورت نقد از طرف پادشاهان مختلف می‌آوردند که بخشی از آنها همین درهم و دینارها بود

و پیامبر(ص) هم آنها را می پذیرفت. زمانی که پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند، مدینه هم تبدیل به یک مرکز تجاری شد؛ تا قبل از آن، مکه پایگاه این روابط اقتصادی و تجاری بود. مدینه یک شهری بود که عمدتاً براساس اقتصاد کشاورزی، باغداری یا مثلاً نخلستان و بعضاً زمین‌های کشاورزی می چرخید، خیلی روابط تجاری به آن معنا مثل مکه نداشت؛ ولی وقتی پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند و مدینه تبدیل به یک پایگاه و مرکز حکومت شد، دیگر از آن اقتصاد سنتی کشاورزی مبدل شد به یک مرکزی برای تجارت که کاروان‌های تجاری به آنجا هم رفت و آمد می کردند. این درهم و دینارها طبیعتاً در آن زمان در دست مردم بود و مورد استفاده قرار می گرفت؛ اینها همه باقی مانده همان دوران قیصر و کسری بود؛ نقوش اینها هیچ کدام اسلامی نبود و بلکه نشانه‌های بت پرستی و شرک روی این سکه‌ها وجود داشت؛ مثلاً صلیب روی دینارهای رومی دیده می شد. این درهم و دینار هم در همان مناطق ضرب می شد و اینجا فقط استفاده کننده و مصرف کننده بودند. لذا در دوره اول، سکه‌ها، درهم‌ها و دینارها همه دارای نقوش غیراسلامی بودند.

حتی در دوران بعد از پیامبر(ص) و در دوران خلفا، خلیفه اول و خلیفه دوم که فتوحات زیادی اتفاق افتاد و ایران فتح شد، بخش‌هایی از سرزمین امپراطوری روم فتح شد، حجم ورود دینار و درهم ایرانی و رومی یا قیصر و کسروی به سرزمین‌های اسلامی خیلی گسترده شد؛ اینها بعد از این فتوحات، همه آنچه را که از این پادشاهان و خزانه‌های آنها بدست می آوردند، به عنوان غنائم در سرزمین‌های اسلامی مورد استفاده قرار می دادند و اینها را بین مسلمان‌ها تقسیم می کردند یا در بیت‌المال برای امور مربوط به خلافت از آنها استفاده می کردند. لذا این رواج پیدا کرد تا سنه ۱۸ قمری.

دوره دوم

در سنه ۱۸ طبق نقل برخی از همین منابع که ما عرض کردیم، یعنی در زمان خلافت عمر، شاید به طور محدود، بعضی سکه‌های مورد استفاده، آمیخته با نقوش اسلامی شد. این می شود دوره دوم؛ یعنی سکه‌ها حاوی نوعی نقوش اسلامی شدند؛ گویا بر روی سکه‌هایی که علائم آن دو امپراطوری را داشتند، برخی نشانه‌های اسلامی هم ضرب شد. مثلاً روی بعضی از سکه‌ها «الحمد لله» یا «محمد رسول الله» یا «لا اله الا الله» اضافه کردند. این ضرب قاعدتاً روی همان سکه‌های رایج صورت گرفته، نه اینکه مستقلاً از ابتدا این کار را کرده باشند؛ یعنی یک نوع اصلاح و ترمیم نسبت به این سکه‌ها صورت گرفت؛ برای اینکه کمی از زندگی اینها در محیط اسلامی جلوگیری کنند. این در زمان خلافت عثمان هم ادامه پیدا کرد و یک درهم‌ها و دینارهایی با عباراتی که مشعر به این فضای جدید باشد، ضرب می شد. مثلاً عبارت «الله اکبر» یا «بسم الله» روی این سکه‌ها اضافه کردند؛ در بعضی از منابع آمده که عبارت «بسم الله» در سال ۲۸ هجری به خط کوفی روی بعضی از سکه‌ها ضرب شد.

بحث جلسه آینده

دوره سوم، مرحله‌ای است که به طور کلی سکه‌هایی فقط با نقوش اسلامی ضرب شد؛ یعنی نقوش غیراسلامی به طور کلی حذف شد. این خودش یک فرآیند و مسیری را طی کرده که این را در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»